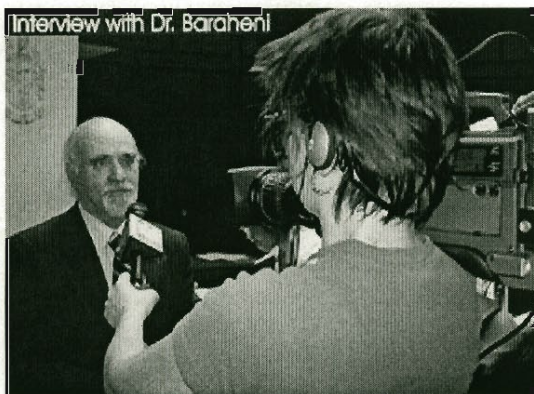
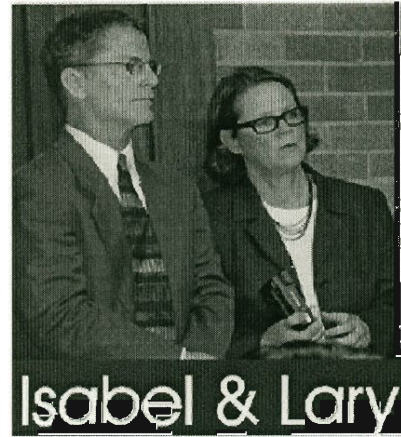
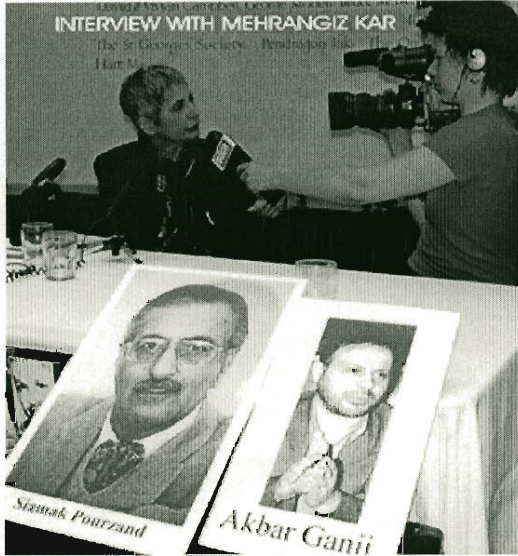


# زیر پوست شهر زنان دیگر سکوت و ستم را برنمی‌تابند

آرش آبادی



سخنرانی مهرانگیز کار در کنفرانس مطبوعاتی انجمن قلم کانادا  
درخواست انجمن قلم کانادا و آمریکا برای آزادی نویسندگان زندانی در ایران  
تصویب قطعنامه پیرامون ایران در مجمع عمومی انجمن قلم کانادا

روز سه شنبه 25 جون کنفرانس مطبوعاتی با حضور مهرانگیز کار (نویسنده حقوقدان و مدافع برجسته حقوق بشر و زنان)، مارگارت اتوود (رئیس و بنیان گزار انجمن قلم کانادا و نویسنده برجسته کانادایی)، دکتر رضا براهنی (رئیس کنونی انجمن قلم کانادا)، نمایندگان انجمن های قلم کانادا و آمریکا و موريس کاپیتورن (نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ایران) در کالج مسی تورنتو برگزار شد و که در آن نمایندگان بسیاری از رسانه های کانادایی شرکت کردند و پس از سخنرانی کوتاهی مهرانگیز کار به پرسش های آنان پاسخ داد.  
شرکت کنندگان در کنفرانس شناخته شده تر از آن هستند که نیاز به معرفی دوباره داشته باشند، از همین رو نگاهی به گزارش فشرده ای از این کنفرانس داشته باشیم:

سخنرانی دکتر براهنی:

SP00196



کنفرانس مطبوعاتی با سخنان دکتر رضا براهنی آغاز شد که چکیده ای از آن را میخوانید:  
روز پانزدهم ماه جون، قاضی جعفر صبري در مقاله اي در روزنامه ايران تاييد کرد که سيامک پورزند، نويسنده و منتقد فيلم، نه به 8 سال، که به پانزده سال زندان محکوم شده است.

این روشي است که معمولاً شهروندان ايراني از سرنوشت چهره هاي برجسته جامعه خویش آگاه میشوند؛ مردان و زنانی که ناگهان ناپدید میشوند، بدون هیچ توضیحي به زندان می افتند، پشت درهاي بسته محاکمه و سپس به مجازات هاي محکوم میشوند که حکومت ايران به طور علني در تاييد یا نفي آنها سخن نمیگوید.

در يکي از نمونه هاي شرم آور، روحاني میانه رو و عضو افتخاري انجمن قلم کانادا، حجت الاسلام حسن يوسفی اشکوري به گونه اي پنهاني در دادگاه روحانيت به اتهام ارتداد محاکمه میشود. گزارش ها حاکی از آن است که او به مجازات مرگ محکوم شده، ولي حکومت ايران از تاييد یا نفي رسمي این خبر سر باز زده است و خانواده او نیز تنها گزارش ها و خبرهاي مبهمی پيرامون محکومیت او دریافت میکنند... امروز مهرانگیز کار پيرامون تجربه دستگیری خودش و همسرش سخن میگوید. ایشان يکي از يازده روشنفکر و نويسنده ايراني، به همراه آقای اشکوري، بودند که تنها به خاطر بيان دیدگاه هاي خویش در کنفرانس بين المللي برلين دستگیر شدند و مورد پیگرد قرار گرفتند.

انجمن قلم به طور جدي نگران وضعیت سلامتی سيامک پورزند است. او 72 ساله، روزنامه نگار و منتقد فيلم کهنه کار و مدير يك مرکز فرهنگي در تهران است. او در روز 24 نوامبر سال گذشته ر بوده شد و برای چندین ماه بدون ارتباط با جهان خارج در زندان نگه داشته شد. حکومت ايران در مورد دستگیری، چرایی و چگونگی آن و محل حبس او سکوت کرده است. در روز ششم ماه مي 2002، مقامات ايراني او را به اتهام "تضعيف امنيت ملي و وابستگی به نیروهاي سلطنت طلب و ضد انقلابي" به طور غير علني محاکمه کردند و به اعتراف هاي او استناد کردند که به نظر انجمن قلم به زور و تحت فشار گرفته شده اند. حکومت ايران هنوز اعلام نکرده که او مجازاتش را در کدام زندان سپري خواهد کرد و همزمان با انتشار شایعاتی پيرامون محکومیت او، خانواده پورزند از احتمال بروز يك حمله قلبي و نیاز آقای پورزند به مداوای پزشکی ویژه و ضروري باخبر شده اند...

پرونده آقای پورزند تنها يکي از مواردی است که توجه جدي انجمن قلم را به اوضاع ايران باعث میشود. انجمن قلم کانادا و آمریکا امروز درخواست مشترکی را به امضای چهار نويسنده معتبر برای دفاع از آزادی سيامک پورزند و سه همکار ايراني که به زندان هاي طويل المدت به خاطر شرکت در کنفرانس برلين محکوم شده اند منتشر خواهند کرد. این زندانیان عبارتند از آقای اشکوري، اکبر گنجي (روزنامه نگار) و خليل رستم خاني (مترجم). ما امیدواریم کنفرانس مطبوعاتی امروز تاکيدي بر خواست جدي انجمن قلم برای سازمادهي اعتراض هاي بين المللي به مسئله دستگیری این روشنفکران تا زمان آزادی آنها باشد.

انجمن قلم در نگرانی هایش برای سرنوشت این زندانیان و خواستش برای احترام کامل به حقوق بشر در ايران تنها نیست. آقای موریس کاپیتورن به عنوان نماینده و ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ايران مسئول گزارش وضعیت حقوق بشر در ايران به سازمان ملل بوده اند و گزارش هاي ایشان اسناد گرانبهايي در هر دو عرصه نقض و یا پیشرفت حقوق بشر در ايران است. در پی عدم صدور قطعنامه نقض حقوق بشر علیه ايران در مجمع اخير کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، دفتر ایشان در ايران تعطیل شده است. آقای کاپیتورن در اینجا پيرامون پیامدهاي این تصمیم در عرصه دفاع و توسعه حقوق بشر در ايران سخن خواهند گفت.  
سخنان مارگارت اتوود:



در گزارش سال گذشته انجمن قلم کانادا، ما برای آزادی مهرانگیز کار و بسياری از نويسندگان ديگر تلاش کردیم،

اما مشکل اینجاست که شما نمیدانید آیا آنها آزاد خواهند شد یا نه، چرا که گاه آنها در زندان باقی میمانند و متأسفانه کاری نمیتوانید بکنید و گاهی هم به گونه ای معجزه آسا آزاد میشوند. به همین خاطر شما همیشه درگیر لحظات احساسی بحرانی و این پرسش هستید که آیا قادر به ملاقات فردی که برای آذایش تلاش میکنید خواهید بود یا خیر؟...

ما هیچ تصویری از شرایط کشوری مانند ایران و خطرات نهفته در عرصه دفاع از حقوق بشر در آنجا نداریم، پس بگذارید به سخنان زنی گوش بسپاریم که جسارت، قدرت درونی و نظم فوق العاده ای در این عرصه از خود بروز داده است. من تنها با بیان این نکته که از حضور او در اینجانب بسیار خوشحال هستم، میکروفرن را به مهرانگیز کار میدهم.

سخنرانی مهرانگیز کار:



من اگر اینجا هستم این را مدیون انجمن های قلم و نهادهای حقوق بشر جهانی میدانم که خوشبختانه نمایندگان شان اینجا حضور دارند. روشنفکران و دگراندیشان ایرانی به آقای موریس کاپیتورن حقیقتاً مدیون هستند، چون در تمامی سال های سخت گذشته همواره مسائل و مصائب خودشان را به نحوی با ایشان در میان میگذاشتند و از پشتیبانی های ایشان بهره مند میشدند. هر چند خوشبخت هستم که هنوز هم ایشان را در کنار داریم، اما متأسفم که ایشان دیگر نمیتوانند در مقام و موقعیتی که قبلاً داشتند یار و یاور ما باشند، برای این که وقت جلسه را زیاد نگیرم تشکر میکنم از آقای دکتر براهنی، خانم مارگارت اتوود، موریس کاپیتورن، آقای لاری رئیس انجمن قلم نیویورک و همه کسانی که در هنگام دستگیری من و متهمان کنفرانس برلین نهایت محبت را کردند و ما را مورد حمایت قرار دادند. اما در ضمن همین جا اعلام میکنم که روشنفکران، دگراندیشان و فعالان فرهنگی و مطبوعاتی در ایران بیش از همیشه نیاز به تداوم این حمایت ها دارند، چرا که در غیر این صورت ممکن است از پا بیافتند.

من تمامی بهار سال 2000 را در زندان گذراندم. اتهام من این بود که چرا از سیستم قانونگذاری و قوانین ایران در يك کنفرانس بین المللی با حضور نمایندگان رسانه های خارجی انتقاد کرده و گفته ام که سیستم قانونی ایران تحمل آزادی را ندارد. چرا بی محابا افکار خویش را بیان کرده و حجاب سنگین قرن های متوالی را از هم دریده ام. من در آن کنفرانس گفتم: "ایران توانایی سازگاری با نیازهای جهانی در هزاره سوم را در چارچوب قانون اساسی فعلی و تحت سلطه روش های ضد زن ندارد. بعد از 21 سال نقض حقوق بشر، ایران چاره ای جز پذیرش اصلاحات ندارد."

قاضی های امروز ایران چنین رك گویی از سوی زنی که به مدت سی و سه سال دست به نگارش داشته را ندارند. آنان بیانات صلح آمیز مرا يك نمونه آشکار از کردار جنایی نامیدند. بر طبق داور این قاضی ها بود که مرا به سلول انفرادی انداختند و وقتی در سلول پشت سر من بسته شد، اندیشیدم که ارتباط با جهان هزاره سوم را برای همیشه از دست داده ام.

در بهار 2000 مرا برای ساعت های متوالی مورد بازجویی قرار دادند. در سن 57 سالگی به خاطر مقاله ای محاکمه شدم که در سن 24 سالگی نوشته بودم و در آن محدودیت های جنسی و پیشداوری های تحمیل شده بر زنان را به نقد کشیده بودم. سرانجام من با گذاشتن ودیعه ای سنگین آزاد شدم. بیمار و خسته به آغوش خانواده و به سوی زندگی حرفه ای خود بازگشتم، اما خیلی زود پی بردم که آن قاضی ها آمادگی تحمل آگاهی زنانه مرا ندارند و بر آن شده اند که وجدان زنانه مرا که پس از تجربه زندان و بازجویی به شناخت بیشتری دست یافته بود در هم بشکنند. و این چیزی بود که انجام دادند. وقتی آنان نتوانستند فشار اعتراض جهانی و مبارزه انجمن های قلم، مطبوعات و رسانه های بین المللی دیگر را برتابند و وقتی به ناچار اجازه خروج من از ایران برای درمان بیماری در خارج از کشور را صادر کردند، ترفندی دیگر ساز کردند. آنها نمیخواستند این هشیاری زنانه که از چنگال شان رها شده بود، بار دیگر به نوشتن دست ببرد، از آزادی سخن بگوید، به زندگی فرهنگی خود باز گردد و فعالیت در میهن خویش را از سر گیرد.

هنگامی که در بیمارستانی در آمریکا بستری بودم، خبر بودن و دستگیری همسر هفتاد و يك ساله ام به ما رسید. هشت ماه پیش بود. پرونده قانونی او در ابهام ننگه داشته شده است، اما يك چیز کاملاً روشن است:

"سیامک پورزند از نظر جسمی و روحی در وضعیت بدی است. او تحت شکنجه مجبور به اعتراف علیه خواست و اراده خود شد. و تحت فشار جسمانی و روانی، مجبور به تن دادن به يك مصاحبه تلویزیونی و ایراد اتهاماتی علیه خودش و دیگران شده است. هویت او و به تبع آن شانس بازگشت من به ایران و از سرگیری فعالیت های فرهنگی که حق طبیعی من است را نابود کرده اند."



آنها این پرونده را با يك هدف پي گرفته اند: به سكوت واداشتن خانواده اي كه زن آن در دفاع از حقوق زناني كه تحت ستم زندگي ميكنند كوشيده است، زني كه از هر فرصتي بهره جسته تا سكوت سنگين اين زنان شكسته شود و پيرامون وضعيت زندگي اين زنان نوشته و گزارش تهیه کرده است. و اين زن به عنوان نویسنده براي سي و سه سال و وكيل دعاوي و حقوقدان به مدت بيست سال اين هدف را پي گرفته است.

براي خاموشي من، آنها همسرم و پدر فرزندم را به تله انداخته اند. اما اشتباه ميکنند، چرا كه مبارزه براي بهبود زندگي وضعيت زندگي زنان و دستيابي به استانداردهاي زندگي انساني كه بيش از هميشه شايسته اش ميباشند ادامه خواهد يافت. زنان ديگر سكوت و ستم را برنميتابند.

پرسش و پاسخ مهرانگيز كار و نمايندگان رسانه ها:

\*تأثير اظهارات آقاي جرج بوش در مورد محور شرارت در ايران چگونه بود؟

- تأثير آني اين اظهارات نيرومندتر شدن جناح راست و محافظه كار حكومت بود كه بيشتر اهم هاي اقتصادي، نظامي و سياسي را در دست دارد. وحشت آنها از اين سخنان، مجوزي به آنها داد تا به روشنفكران سكو لار و ديني بيشتر بتازند و آنها را به بهانه وابستگي به دشمن خارجي محكوم كنند.

\* شما اکنون كجا زندگي ميكنيد و آيا اجازه بازگشت به ايران را داريد يا خير؟

- من در حال حاضر در آمريكا زندگي ميكنم. قبل از آمدن به آمريكا، با استفاده از كمك نهادهاي جهاني و مذاكره آقاي موريس كاپيتورن با آقاي عليزاده، رئيس دادگستري تهران، به من اجازه داده شد تا براي معالجه براي مدتي در خارج باشم، منتها من بايد چند ماه پيش به ايران باز ميگشتم چون ديگر اينجا كاري نداشتم كه متاسفانه اين حادثه براي همسرم اتفاق افتاد. ولي رسماً كسي به من نگفته كه به ايران باز نگردم. فقط بر اساس اخباري كه منتشر ميشود، من تلفن هايي از ايران دارم كه مرا از بازگشت منع ميكنند.

\* انجام چه كار اساسي براي آزادي روشنفكران و نويسندگان ايراني ضرورت دارد؟

- هر حاكميتي نگرش و ديدهاي نسبت به اهل انديشه و كساني كه فعاليت هاي فكري و فرهنگي انجام ميدهند دارد. حاكميت ايران در سال هاي پس از انقلاب تا زمان حاضر، نشان داده است كه نگرش و ديدهاي بسيار محدوددي دارد و نميتواند كساني را كه مخالف تفكر رسمي حكومت هستند تحمل كند. تا زماني كه اين نگرش تغيير نكند، من شانس براي بالندگي و ايمني نويسندگان مان نمي بينم.

\* نظر شما در مورد پيام همسران از زندان كه فعاليتي براي آزادي او انجام ندهيد چيست؟

- ما وقتي كه اين پيام را بر روي پيام گير تلفن شنيديم، خيلي فكر كرديم كه شايد او بهتر از ما وضعيت خودش را مي فهمد و ميداند كه در دست چه كساني هست و بهتر است كه همه در باره اش سكوت كنيم. اما بعد به اين نتيجه رسيديم كه در اين مورد سكوت جايز نيست. به همين دليل ما اين پيام را كه نشانه اي از وضعيت عمومي زندانيان سياسي و مطبوعاتي ايران بود بر روي اينترنت و در اختيار رسانه هاي همگاني قرار داديم تا همه اين صداهي شكسته را بشنوند و متوجه شوند كه با متهمان سياسي، فرهنگي و مطبوعاتي در ايران چه نوع برخورد مي شود و تا چه حد آنها را مغزشويي ميكنند كه خودشان پيام بفرستند كه براي ما كاري نكنيد!

\* آيا ساير اعضاي خانواده شما يا آقاي پورزند در ايران تحت فشار قرار دارند؟

- متاسفانه من و فرزندم در زمان دستگيري همسرم خارج از ايران بوديم. تنها خواهر هشتاد ساله او در ايران است كه او شديداً تحت فشار قرار دارد كه مثلاً چرا با نشريات ايراني گفت و گو کرده و اظهار داشته از محل زندان و وضعيت سلامتي پورزند اطلاعي ندارد.

درخواست آزادي نويسندگان ايراني از سوي انجمن قلم كانادا و آمريكا:

در كنفرانس مطبوعاتي فوق از سوي لاري سيمز (Larry Siems) مدير برنامه هاي بين المللي انجمن قلم آمريكا، نامه ي خطاب به آقاي خاتمي، رئيس جمهور ايران، خوانده شد كه در آن انجمن هاي قلم آمريكا و كانادا خواستار آزادي نويسندگان ايراني شده اند. اين نامه قبلاً به امضاي سوزان سونتاگ (Susan Sontag) - رئيس سابق انجمن قلم آمريكا - و جوئل كانارو (Joel Conarroe) - رئيس كنوني انجمن قلم آمريكا - رسيده بود و در كنفرانس مطبوعاتي فوق نيز به امضاي مارگرت اتوود و دكتور رضا براهني رسيد. لاري سيمز بخشي از نامه فوق را به شرح زير براي حضار خواند:

"انجمن قلم كانادا و آمريكا اتهامات عليه خليل رستم خاني، اكبر گنجي، حجت الاسلام حسن يوسف اشكوري و سيامك پورزند را نقض حق آزادي بيان آنها ميدانند كه در ماده 19 پيمان بين الملل حقوق سياسي و شهروندي (ICCPR) تضمين شده است و ايران يكي از امضا كنندگان آن است. ما مصرانه از شما درخواست داريم تا هر چهار نويسنده فوق را به سرعت و بدون قيد و شرط از زندان آزاد كنيد، تا سيامك پورزند و حسن اشكوري كه هر دو از بيماري جدي رنج ميبرند از مداواي پزشكي سريع بهره مند شوند.

ما همچنين نگراني جدي خود را پيرامون گزارش هايي اعلام ميكنيم كه بر اساس آنها تعدادي از اين زندانيان در زندان مورد بدرفتاري قرار گرفته و محاكمه آنها در همخواني با استانداردهاي عادلانه تضمين شده در قانون اساسي

ایران و قراردادهای بین المللی نبوده است."

قطعنامه انجمن قلم کانادا پیرامون ایران:

آلن کامین (Alan Cumyn) نویسنده برجسته و رئیس "کمیته نویسندگان زندانی" در انجمن قلم کانادا، متن قطعنامه ای را در کنفرانس به شرح زیر خواند که همان شب در مجمع عمومی انجمن قلم مورد تصویب قرار میگرفت:

"علیرغم یک پیروزی بزرگ دیگر در انتخابات ریاست جمهوری در ماه جون 2001 برای رئیس جمهور خاتمی، امسال شاهد تغییرات مثبت اندکی در عرصه آزادی بیان در ایران بوده ایم. روزنامه نگاران، نویسندگان، استادان دانشگاه و نمایندگان مجلس در طیفی گسترده و تنها به خاطر بیان دیدگاه های خود از سوی قوه قضائیه ای مورد حمله قرار گرفته اند که به گونه ای مستبدانه و خشن سعی در محدود کردن آزادی بیان دارد. در آپریل سال 2002 و در هنگامه ای که پس از 19 سال قطعنامه ای در مورد نقض حقوق بشر توسط حکومت ایران از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل صادر نشد، نیروهای محافظه کار برای سرکوب آزادی بیان در ایران تشویق شدند..."

انجمن قلم کانادا بر این باور است که حکومت کانادا باید شدیدتر و قوی تر به حکومت ایران پیرامون شکست و عدم پایبندی آن حکومت به تعهداتش در مورد رعایت استانداردهای ابتدایی بین المللی حقوق بشر از جمله حق آزادی بیان اعتراض کند و از حکومت ایران بخواهد که چگونگی قتل روشنفکران و نویسندگان ایرانی در سال های 98 و 99 را آشکار سازد. دولت کانادا باید به مسئله ناپدید شدن چهره های ناراضی و کاربرد شکنجه نیز اعتراض کند.

انجمن قلم کانادا از دولت کانادا میخواهد تا نگرانی جدی خویش را پیرامون مسئله آزادی بیان در ایران با ارائه درخواست های زیر به دولت ایران به نمایش بگذارد:

\*توقف پیگرد نویسندگان، سردبیران، روزنامه نگاران و منتقدان غیر خشن حکومت ایران به خاطر ابراز عقیده و گردهمایی و آزادی سریع زندانیان اخیر.

\*دادن اجازه بازگشت به کسانی که در خارج اقامت دارند بدون ترس از پیگرد قانونی و شکنجه و آزار.

\*لغو محدودیت های آزادی بیان در قانون مطبوعات

\*احترام و اجرای حق آزادی بیان تضمین شده در قانون اساسی ایران و بیمان بین المللی حقوق سیاسی و شهروندی (ICCPR).

انجمن قلم کانادا از دولت کانادا مصرانه میخواهد که تعهد خویش به دفاع از استانداردهای بین المللی حقوق بشر را از نو با اختیار کردن نقشی پیشروانه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سال 2003 به نمایش بگذارد و اطمینان یابد که قطعنامه ای در مورد نقض حقوق بشر در ایران در دستور کمیسیون مربوطه قرار میگیرد.



(لاری سمیز (نماینده انجمن قلم آمریکا



رضا براهنی (رئیس انجمن قلم کانادا



مارگرت اتوود (از بنیان گزاران انجمن قلم کانادا)



مهرانگیز کار (نویسنده، پژوهشگر و حقوقدان



موریس کاپیتورن نماینده سابق کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ایران



آلن کامین (رئیس کمیته ی نویسندگان زندان انجمن قلم کانادا)



رضا برابلی، مارکوب الوود، مهرانگیر کار، موریس کابینورن و آلن جامین